

دوفصلنامه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، سال پنجم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۵، صفحات ۱۶-۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۱/۲۷

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۵/۰۷/۱۲

بررسی رابطه مسئولیت‌پذیری و تفکیک از مبدأ زباله‌های فلزی در بین زنان

شهرهای شیراز و یاسوج

سیروس احمدی^۱

نرگس پناه^۲

چکیده

افزایش بی‌سابقه تولید پسماندهای خانگی باعث بروز چالش‌های زیادی به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه شده است. یک راهکار اساسی در این زمینه، تفکیک از مبدأ زباله‌های خانگی است اما این امر در ایران توسعه چندانی نیافته است. هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه بین مسئولیت‌پذیری و تفکیک از مبدأ زباله‌های فلزی خانگی است. جامعه آماری تحقیق، زنان متأهل شیراز و یاسوج می‌باشند که ۵۶۲ نفر از آنان به‌عنوان اندازه نمونه تعیین و با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای انتخاب شدند. ابزار تحقیق جهت سنجش تفکیک از مبدأ زباله‌های فلزی، پرسشنامه پژوهشگر ساخته است که با استفاده از نظرات داوران تعیین اعتبار گردیده و با استفاده از همسانی درونی به‌روش کودر-ریچاردسون تعیین پایایی شده است. ابزار تحقیق جهت سنجش مسئولیت‌پذیری، پرسشنامه مسئولیت گاف (۱۹۸۴) می‌باشد. بر اساس یافته‌های توصیفی تحقیق، میزان تفکیک زباله‌های فلزی از مبدأ در بین زنان در هر دو شهر شیراز و یاسوج در سطح متوسط است. به‌علاوه، میانگین نمره تفکیک از مبدأ زباله خانگی بر روی دامنه نمرات صفر تا شش، برابر با ۳/۴ و میانگین نمره مسئولیت‌پذیری بر روی دامنه نمرات صفر تا ۴۲ برابر با ۲۶/۴ است. بر اساس یافته‌های تحلیلی تحقیق، مسئولیت‌پذیری رابطه مثبت و معناداری با تفکیک از مبدأ زباله‌های فلزی دارد و قادر است ۰/۲۹ واریانس آن را تبیین کند. در بین متغیرهای جمعیتی، تنها وضعیت شغلی رابطه معناداری با تفکیک از مبدأ زباله‌های فلزی دارد و سایر متغیرهای جمعیتی رابطه معناداری نشان نمی‌دهند.

واژگان کلیدی: تفکیک از مبدأ، زباله‌های فلزی، مسئولیت‌پذیری، زنان، شیراز، یاسوج.

1- Email:sahmadi@yu.ac.ir

2- Email:n.panah68@gmail.com

۱- دانشجویار جامعه‌شناسی گروه علوم اجتماعی دانشگاه یاسوج

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه یاسوج

مقدمه

امروزه یکی از مشکلات مهم زیست محیطی، تولید انبوه پسماندهای خانگی است (سرور، ۱۳۹۱: ۴۹). رشد روزافزون جمعیت، تنوع کالاهای مصرفی و روند صعودی فرهنگ مصرف‌گرایی در بین شهروندان، منجر به تولید میلیون‌ها تن زباله گردیده است که بشر به‌طور فزاینده‌ای وارد محیط می‌نماید (ضرابی و همکاران، ۱۳۹۱: ۹۱). دفن غیراصولی زباله می‌تواند به محیط زیست آسیب رسانده و اثر مستقیم بر زندگی انسان داشته باشد (میلر، ۱۳۸۷: ۱). سالانه در سراسر جهان، بالغ بر ۱۲۷۷ میلیون تن (شریف‌زاده، ۱۳۸۸: ۹۰) زباله جامد شهری تولید می‌شود و پیش‌بینی می‌شود، این میزان تا سال ۲۰۲۵ به دو برابر افزایش یابد (رهنما و خبیری، ۱۳۹۱: ۳۰۹). افزایش بی‌سابقه تولید زباله باعث شده است، مدیریت زباله‌ها به یکی از چالش‌های مهم شهری تبدیل شود (آذری و همکاران، ۱۳۹۲: ۵۳۰). در ایران نیز افزایش جمعیت و گسترش مداوم شهرها از یک‌سو و توسعه فعالیت‌های صنعتی، تجاری و خدماتی از سوی دیگر منجر به تولید مقادیر زیادی مواد زاید در شهرها شده است (منوری و همکاران، ۱۳۸۷). میزان تولید زباله جامد شهری در ایران، سالانه بیش از ۲۰ میلیون تن است (منوری و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۷) و طی آن هر شهروند ایرانی به‌طور متوسط ۶۵۰ گرم زباله در روز تولید می‌کند (شریف‌زاده، ۱۳۸۸: ۹۰). سرانه تولید زباله در شیراز ۷۰۰ گرم (سازمان مدیریت پسماند شهرداری شیراز، ۱۳۹۴) و در شهر یاسوج حدود ۷۵۰ گرم است (سازمان مدیریت پسماند شهرداری یاسوج، ۱۳۹۴) که از میانگین کشوری بالاتر است.

با توجه به مشکلات ناشی از جمع‌آوری و حمل و نقل زباله‌ها و نیز پیامدهای مستقیم ناشی از نابودی آنها بر محیط زیست (میلر، ۱۳۸۷: ۱؛ اشنیرگ و گولد، ۲۰۰۵: ۱۱) یک راهکار مناسب و منطقی، تفکیک از مبدأ زباله (هاشم‌پور و همکاران، ۱۳۸۶) به‌ویژه در خانه‌ها که بیش از یک سوم زباله‌ها را تولید می‌کنند (عزیزی و همکاران، ۱۳۹۱: ۹) است. علی‌رغم این‌که تفکیک از مبدأ زباله در کشورهای مختلف دنیا مورد استقبال قرار گرفته است، این امر در ایران توسعه چندانی نیافته و در حالی که ۹۰٪ مواد موجود در زباله‌ها در ایران قابل بازیافت هستند (حمزه کلکناری، ۱۳۹۴: ۳۲) ۹۰٪ آنها دفن و از ۱۰٪ باقی مانده تنها ۲٪ مورد بازیافت قرار می‌گیرند (فروزان، ۱۳۸۸).

با توجه اینکه، بخش قابل توجهی از زباله‌های تولیدی در منازل، زباله‌های فلزی همچون قوطی‌ها، فویل‌ها، حلب‌ها، ابزارها، و غیره هستند (بانک جهانی، ۲۰۱۲) پژوهش حاضر به دنبال این است که میزان تفکیک زباله‌های فلزی در بین زنان متأهل را بررسی و رابطه آن را با مسئولیت‌پذیری مورد واکاوی قرار دهد.

تحقیقات پیشین

بررسی رابطه بین مسئولیت‌پذیری و تفکیک از مبدأ زباله‌های خانگی به ندرت مورد توجه بوده است. با این حال می‌توان از برخی پژوهش‌ها نام برد که کم و بیش در این حوزه انجام شده‌اند. پلی و آکانور^۱ (۲۰۰۰) در پژوهشی با عنوان «دانش و نگرش محیط زیست: محیط زیست و رفتار» نشان داده‌اند، وابستگی و گرایش به دوستداری طبیعت در حال و گذشته فرد، عاملی اساسی در تعیین رفتار مسئولانه فرد است.

متین و همکاران (۲۰۰۳)، در پژوهشی با عنوان «شیوه‌های مدیریت مواد زاید جامد و بررسی بازیابی و عملیات بازیافت در ترکیه» به بررسی روش‌های مدیریت پسماند و عملکرد بازیافت و چرخش مجدد پسماند پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش نشان داد، ۸۰٪ افراد منطقه مورد مطالعه، حاضر به مشارکت در برنامه‌های جداسازی و تفکیک مواد قابل بازیافت در مبدأ می‌باشند. همچنین نتایج نشان داده‌اند در شهرهای بزرگ‌تر حجم بیشتری از مواد زاید جامد را مواد قابل بازیافت تشکیل می‌دهند.

اوفی - مانو^۲ (۲۰۰۹)، در پژوهشی با عنوان «جنسیت و محیط زیست در محیط‌های کاری ژاپن»، به بررسی رابطه جنسیت و نگرش به محیط زیست در میان کارکنان شرکت‌های ژاپنی پرداخته است. نتایج این پژوهش نشان داد، در محیط‌های صنعتی و خدماتی که مردم سالاری حاکم است، بانوان عملکرد و نگرش مثبت بالایی نسبت به محیط اطراف خود در مقایسه با مردان دارند. همچنین نتایج نشان داده‌اند که بانوان علاقه‌مندی بیشتری جهت شرکت در برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های حفاظت از محیط زیست دارند.

1- Pooley and O'Connor

2- Ofei-Manu

نیسبت^۱ و همکاران (۲۰۰۹)، در پژوهشی با عنوان «مقیاس ارتباط شخصی افراد با طبیعت با نگرانی‌های و رفتار زیست محیطی» به این نتیجه رسیده‌اند که ارتباط با طبیعت، برخی از تفاوت‌ها در رفتارهای مسئولانه زیست محیطی را تبیین می‌کند. روابط شخصی با طبیعت ممکن است بینشی را در مردم برای رویارویی با مشکلات محیط زیست فراهم کند. در حالیکه، عدم ارتباط با طبیعت به تخریب آن منجر خواهد شد.

مبلی^۲ و همکاران (۲۰۱۰) در پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر رفتار مسئولانه زیست محیطی: تأثیر ادبیات و نگرش محیط زیست» نشان دادند، بانوان رفتارهای زیست محیطی مسئولانه‌تری نسبت به مردان دارند. همچنین نتایج نشان داده‌اند که مطالعه متون زیست محیطی بر نگرش نسبت به محیط زیست تأثیر دارد. احمدی و همکاران (۱۳۹۲)، در پژوهشی با عنوان «بررسی رابطه مسئولیت‌پذیری و صرفه‌جویی در مصرف برق در بین زنان شهر یاسوج» نشان دادند، با افزایش مسئولیت‌پذیری، تمایل رفتاری به صرفه‌جویی در مصرف برق افزایش می‌یابد.

بنگا^۳ (۲۰۱۳) در پژوهشی با عنوان «دانش خانگی، نگرش و عملکرد در تفکیک و بازیافت، مطالعه موردی: شهر کامپالا» به بررسی دانش، نگرش و عملکرد خانوارها در تفکیک و بازیافت ضایعات جامد در کامپالا در کشور اوگاندا پرداخته است. این پژوهش که بر روی ۵۰۰ خانوار انجام شد، نشان داد، اگرچه، مردم از تفکیک زباله و شیوه بازیافت آگاه هستند ولی تاکنون در چنین طرحی شرکت نکرده‌اند. همچنین نتایج نشان داده که شرکت در فعالیتهای تفکیک زباله بستگی به سطح آگاهی فعالیت‌های بازیافت در منطقه، درآمد خانوار، سطح تحصیلات و جنسیت دارد. افزایش دسترسی به امکانات بازیافت به معنی ترویج نگرش مثبت به فعالیت‌های تفکیک زباله است.

احمدی مسعود و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «بررسی میزان مشارکت مردم شهر همدان در طرح تفکیک از مبدأ پسماند زباله‌های شهری» به بررسی عوامل مؤثر بر

1- Nisbet

2- Mobley

3- Banga

مشارکت در طرح تفکیک از مبدأ زباله‌های شهری پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش نشان داد، میزان درآمد، سطح تحصیلات، سن، آموزش و اطلاع‌رسانی از طرح تفکیک از مبدأ پسماند در میزان مشارکت مردم در جمع‌آوری زباله تأثیر بسزایی دارند.

صالحی و خوش‌فر (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «بررسی نگرش بانوان نسبت به بازیافت زباله‌های خانگی در مازندران»، به بررسی نگرش بانوان نسبت به بازیافت زباله‌های خانگی و عوامل مؤثر بر آن پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش که بر روی ۴۷۱ نفر بانوی خانه‌دار شهری مازندران انجام شد، نشان داد، پارادایم نوین زیست محیطی عامل بسیار مهمی در تکوین نگرش مثبت نسبت به مدیریت بازیافت زباله‌های خانگی می‌باشد. همچنین دغدغه‌های زیست محیطی، سطح تحصیلات و وضعیت اقتصادی خانوارها رابطه معناداری را با نگرش بانوان نسبت به بازیافت زباله داشته‌اند.

بررسی تحقیقات پیشین بیانگر این است که بخش اعظم این پژوهش‌ها صرفاً به میزان مشارکت مردم در طرح تفکیک از مبدأ زباله‌های شهری و نیز رابطه دانش تفکیک و نگرش نسبت به تفکیک با تفکیک پسماندها پرداخته‌اند. بر این اساس، وجه تمایز پژوهش حاضر از تحقیقات پیشین این است که اولاً، بر مسئولیت‌پذیری تأکید نموده است که در تحقیقات پیشین مرسوم نبوده است. ثانیاً، با توجه به نقش سنتی زنان در مدیریت امور منزل، بر نقش زنان در امر تفکیک از مبدأ زباله تمرکز نموده و ثالثاً، تلاش کرده است با بررسی پژوهش در دو مرکز استان، چشم‌انداز روشن‌تری از وضعیت تفکیک از مبدأ زباله‌های خانگی ترسیم نماید.

مبانی نظری

تفکیک از مبدأ زباله‌های خانگی به‌عنوان یک رفتار، متأثر از عوامل متعددی است (غنی و همکاران، ۲۰۱۳) اما می‌تواند، پیوند نزدیکی با مسئولیت‌پذیری داشته باشد. مسئولیت‌پذیری، عبارت است از الزام و تعهد درونی فرد برای انجام مطلوب همه فعالیت‌هایی که بر عهده او گذاشته شده (بیرهوف، ۱۳۸۴) یا انتظاراتی که جامعه از او دارد (فورد، ۱۹۸۵). به‌زعم شوارتز و همکاران (۱۹۷۰: ۲۹۹) مسئولیت‌پذیری، در برگیرنده چهار شاخص اساسی اهمیت دادن به وظایف، برعهده گرفتن عواقب رفتار، پاسخ‌گویی، و قابل اعتماد بودن، است. مسئولیت، در

ادبیات جامعه‌شناختی نیز همواره مورد توجه بوده است. دورکیم (۱۳۸۷) سرچشمه هرگونه فعالیت اخلاقی را تبعیت منافع خصوصی از منافع عمومی می‌داند، که این امر متضمن روحیه فداکاری و ایثار بوده که یک ویژگی اخلاقی است. از نظر دورکیم (۱۳۸۱) کنشگران اجتماعی از آنجا که عامل نقش‌های خانوادگی یا اجتماعی معین هستند، در شبکه‌ای از تعهدات و تکالیف قرار می‌گیرند که حق ندارند آنها را نادیده بگیرند. انسان‌ها نمی‌توانند بدون توافق با هم، بدون پذیرش ایثارهای متقابل، و بدون برقرار کردن پیوندهای پایدار با یکدیگر، به صورت جمعی زندگی کنند. میلز (۱۹۵۹، به نقل از ایمان، ۱۳۸۸) عنصر اصلی نقش‌های رفتاری افراد که به وسیله نظم و ترتیب اجتماعی تعیین شده است را تعهد می‌نامد. او بحث خود در مورد تعهد را از نیازها و تأثیر آن بر پیدایش گروه‌ها و ساخت آنها آغاز می‌کند و معتقد است، نیازهای انسان موجب می‌شود، با دیگران روابط اجتماعی داشته باشد و برای برقراری روابط اجتماعی، عضویت در گروه‌های اجتماعی و رعایت قواعد برقراری ارتباط (هنجارها) بین اعضای گروه، امری ضروری است و هنگامی که کنش‌های متقابل اعضای گروه بر اساس نظم و ترتیب اجتماعی درباره داد و ستد بین نقش‌های اجتماعی تنظیم یا اداره شد، تعهد به وجود آمده است. تعهد یکی از مفاهیمی است که استرایکر (۱۹۸۹، به نقل از ایمان، ۱۳۸۹) مطرح می‌کند و آن را راهی برای مفهوم‌سازی بین خود و رفتار اجتماعی می‌بیند. مسئولیت اجتماعی در قالب همین تعهد، مطرح می‌شود و تعیین‌کننده درجه ارتباط فرد با دیگران است. هر چقدر دامنه روابط فرد گسترده‌تر باشد، تعهد وی به دیگران بیش‌تر و میزان مسئولیت اجتماعی او بیشتر خواهد بود. بر اساس نظریه نقش (ترنر، ۲۰۰۳) افراد به ساختار اجتماعی بزرگ‌تری مرتبط هستند و هر شخص در داخل تعدادی از نظام‌های پایگاهی، مواضعی را اشغال می‌کند. نقش، مفهوم کلیدی است که فرد و ساختار اجتماعی را به یکدیگر مرتبط می‌کند. فرد با گرفتن نقش و ایفای آن در شبکه اجتماعی، با دیگران در ارتباط قرار می‌گیرد. این ارتباط باید به گونه‌ای باشد که هم رضایت فرد و هم رضایت دیگران حاصل شود، که این مهم در پرتو رفتار مسئولانه حاصل می‌شود. کارکردهای مسئولیت‌پذیری در تحقیقات متعددی مورد بررسی قرار گرفته است. نخستین بار دورکیم (به نقل از کیویستو، ۱۳۷۷) در بررسی خودکشی، نشان داد، مسئولیت اجتماعی بر رفتارهای نوع دوستانه تاثیر دارد. لاتانه و دارلی (۱۹۷۰)، مارویاما و همکاران (۱۹۸۲)، لوین و همکاران

(۲۰۰۱) و احمدی (۱۳۹۲) نیز نشان دادند، مسئولیت‌پذیری باعث تقویت رفتارهای مثبت اجتماعی می‌شود. به همین ترتیب، می‌توان انتظار داشت، تفکیک از مبدأ زباله را بتوان براساس مسئولیت‌پذیری تقویت نمود. مکانیزم آن به این صورت است که مسئولیت‌پذیری، سبب تعهد درونی فرد برای انجام رفتارها و فعالیت‌های مطلوبی که بر عهده او گذاشته شده یا جامعه از او انتظار دارد، می‌شود. این امر ضامن بقای زندگی جمعی است. با توجه به اینکه، پیامدهای زیان بار عدم تفکیک زباله از مبدأ در نهایت، دامان همه را خواهد گرفت و هم به فرد و هم به جامعه ضربه می‌زند، با استناد به نظریه مسئولیت‌پذیری گلسر (۱۳۹۱: ۷) که معتقد بود، اولین مؤلفه مسئولیت‌پذیری، یادگیری انتخاب رفتارهایی است که نیازهای اساسی ما را برآورده کند، می‌توان انتظار داشت، با تقویت مسئولیت‌پذیری، رفتار تفکیک از مبدأ زباله به‌عنوان یک رفتار اجتماعی مطلوب، تقویت شود.

فرضیه پژوهش

بین مسئولیت‌پذیری و تفکیک از مبدأ زباله‌های فلزی در بین زنان متأهل، رابطه معناداری وجود دارد.

روش‌شناسی

روش به کار رفته در این پژوهش، پیمایش از نوع توصیفی-تحلیلی است. جامعه آماری، زنان متأهل شهرهای شیراز و یاسوج است که تعداد آنان در حدود ۳۳۰۰۰۰ نفر (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۱) برآورد می‌شود. با استفاده شده است با استفاده از فرمول نمونه‌گیری کوکران (۱۹۷۷) و تعیین مقادیر $P=0/5$ ، $q=0/5$ ، $t=1/96$ ، $d=0/0411$ و $N=330000$ اندازه نمونه ۵۶۲ نفر تعیین گردید که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای با لحاظ کردن نسبت نمونه‌گیری، در ۱۰ منطقه شهر شیراز و دو منطقه در شهر یاسوج، انتخاب شدند. ابزار پژوهش، پرسشنامه است که از دو بخش اصلی تشکیل شده است. در اولین بخش پرسشنامه جهت سنجش تفکیک زباله‌های فلزی، از پرسشنامه پژوهش‌گر ساخته استفاده شده است. سطح سنجش گویه‌ها به صورت اسمی (بلی=۱ و خیر=۰) است. به این معنی که از پاسخ‌گو خواسته شد پاسخ دهد کدام یک از موارد مشخص شده مربوط به زباله‌های فلزی

را پس از استفاده، تفکیک و از زباله‌های تر جدا می‌کند. در صورت تفکیک هر یک از موارد، نمره ۱ و در صورت عدم تفکیک هریک از آنها نمره صفر دریافت لحاظ می‌شود. براین اساس دامنه نمرات بین صفر تا ۶ است. جهت تعیین اعتبار این پرسشنامه از بررسی اعتبار محتوا استفاده شد و طی آن از داوران متخصص خواسته شد در خصوص محتوا و صحت گویه‌ها، قضاوت کنند. به‌علاوه، جهت سنجش پایایی با توجه به سطح سنجش، از همسانی درونی به روش کودر-ریچاردسون استفاده گردید که ضریب آن برابر با ۰/۶۷ است. در بخش دوم پرسشنامه جهت سنجش مسئولیت‌پذیری از پرسشنامه گاف (۱۹۸۴)، استفاده شده است. این پرسشنامه دارای ۴۲ گویه تک‌عاملی است. سطح سنجش گویه‌ها به‌صورت اسمی (بلی=۱ و خیر=۰) است و دامنه نمرات بین صفر تا ۴۲ می‌باشد. این مقیاس توسط پژوهشگران متعددی (عسکری و همکاران، ۱۳۹۰؛ حمیدی و قیطاسی، ۱۳۸۹؛ سعادت‌شامیر، ۱۳۸۳) در ایران استفاده و اعتبار و پایایی آن مورد بررسی قرار گرفته است. بررسی ضریب پایایی این مقیاس در پژوهش حاضر با استفاده از همسانی درونی به روش کودر-ریچاردسون برابر با ۰/۹۴ است.

یافته‌های توصیفی

براساس یافته‌های توصیفی متغیرهای جمعیتی تحقیق، از مجموع کل زنان پاسخ‌گو، (۴۱/۹٪) ساکن یاسوج و (۵۸/۱٪) ساکن شیراز می‌باشند. به‌لحاظ مدرک تحصیلی، بخش اعظم پاسخ‌گویان (۴۲٪) دارای مدرک کارشناسی هستند. به‌لحاظ قومیت، بخش اعظم پاسخ‌گویان (۴۵/۹٪) فارس هستند. به‌لحاظ وضعیت اشتغال، بخش اعظم زنان، خانه‌دار (۶۱/۴٪) می‌باشند. به‌لحاظ گروه سنی، بیشترین تعداد پاسخ‌گویان (۴۳/۲٪) در گروه سنی ۳۰-۳۹ سال و کمترین تعداد پاسخ‌گویان (۶/۹٪) در گروه سنی ۵۰ سال و بیشتر قرار گرفته‌اند. میانگین تعداد سال‌های ازدواج پاسخ‌گویان ۱۲/۶ سال با انحراف معیار ۱۰/۵ سال بوده است و هم‌چنین میانگین تعداد فرزند پاسخ‌گویان ۲/۱۶ فرزند با انحراف معیار ۱/۸۶ است.

جدول شماره ۱: توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب این که کدام یک از زباله‌های فلزی زیر را پس از استفاده تفکیک می‌کنید؟

گویه‌ها	بلی		خیر	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
قوطی کنسرو	۳۴۰	۶۰/۵	۲۲۲	۳۹/۵
قوطی رب‌ها	۳۴۲	۶۰/۹	۲۲۰	۳۹/۱
قوطی نوشابه	۳۴۶	۶۱/۶	۲۱۶	۳۸/۴
قوطی حشره‌کش	۳۲۱	۵۷/۱	۲۴۱	۴۲/۹
روکش آلومینیومی	۲۷۲	۴۸/۴	۲۹۰	۵۱/۶
باطری	۲۷۵	۴۸/۹	۲۸۷	۵۱/۱

جدول شماره ۲: آماره‌های توصیفی متغیرهای تفکیک از مبدأ زباله فلزی و مسئولیت‌پذیری

	کمترین	بیشترین	میانگین	انحراف معیار
تفکیک از مبدأ زباله فلزی	۰	۶	۳/۴	۱/۲
مسئولیت‌پذیری	۱۱/۵	۳۴/۵	۲۶/۴	۶/۷

یافته‌های تحلیلی

جهت پیش‌بینی متغیر وابسته تفکیک از مبدأ زباله‌های فلزی خانگی بر اساس متغیر مستقل مسئولیت‌پذیری و نیز کنترل اثر متغیرهای جمعیتی (سن، تحصیلات، قومیت، وضع شغلی، شهر محل سکونت، تعداد فرزند، تعداد سال‌های ازدواج) از تحلیل رگرسیون به روش هم‌زمان استفاده شده که نتایج آن در جداول شماره ۳ و ۴ در قالب مدل شماره ۱ و مدل شماره ۲ ارائه شده است. براساس مدل شماره ۱، رابطه مثبت و معناداری بین مسئولیت‌پذیری و تفکیک از مبدأ زباله‌های فلزی خانگی وجود دارد و طی آن مسئولیت‌پذیری قادر است ۰/۲۹ واریانس تفکیک از مبدأ زباله فلزی خانگی را تبیین کند. با اضافه شدن متغیرهای جمعیتی در مدل شماره ۲، ضریب تبیین به ۰/۳۱ افزایش یافته است. براساس نتایج مدل شماره ۲، از بین متغیرهای جمعیتی، تنها وضعیت شغلی ($t = -2/1$, $Sig = 0/03$)، $-0/08$ (Beta=) رابطه معناداری با تفکیک از مبدأ زباله‌های فلزی خانگی دارد و طی آن با تغییر

وضعیت شغلی از خانه‌دار به شاغل، تفکیک از مبداء زباله‌های فلزی خانگی افزایش می‌یابد. به‌علاوه، براساس مدل شماره ۲ متغیرهای سن، تحصیلات، قومیت، شهر محل سکونت، تعداد فرزند و تعداد سال‌های ازدواج رابطه معناداری با تفکیک از مبداء زباله‌های فلزی خانگی ندارند.

جدول شماره ۳: پیش‌بینی تفکیک از مبداء زباله خانگی براساس مسئولیت‌پذیری مدل ۱

Sig	T	Beta	B	Sig	F	R2	R
۰/۴۳۷	۰/۷۸	-	-۰/۱۹۵				مقدار ثابت
۰/۰۰۰	۱۵/۱	۰/۵۴	۰/۱۳۸	۰/۰۰۰	۲۲۶/۲	۰/۳۹	۰/۵۴

جدول شماره ۴: پیش‌بینی تفکیک از مبداء زباله فلزی براساس مسئولیت‌پذیری و متغیرهای جمعیتی مدل ۲

Sig	T	Beta	B	Sig	F	R2	R
۰/۰۲	۰/۵۷	-	۰/۷۴				مقدار ثابت
۰/۰۰۰	۱۲/۵	۰/۴۸	۰/۱۲				مسئولیت‌پذیری
۰/۸۷	۰/۱۶	۰/۰۱	۰/۰۰۴				سن
۰/۲۴	۱/۱۶	۰/۰۵	۰/۲۱				تحصیلات دانشگاهی
۰/۲۸	۱/۰۷	۰/۰۵	۰/۳۲				زیر دیپلم
۰/۳۰	۰/۸۵	۰/۰۴	۰/۱۹	۰/۰۰۰	۲۵/۸	۰/۳۱	۰/۵۶
۰/۳۹	۰/۳۰	۰/۱۰	۰/۳۲				قومیت فارس
۰/۳۹	۰/۳۰	۰/۱۰	۰/۳۲				قومیت لر
۰/۰۳	-۲/۱	-۰/۰۸	-۰/۳۸				وضعیت شغلی
۰/۹۵	۰/۰۶	۰/۰۱	۰/۰۶				شهر
۰/۹۴	۰/۰۶	-۰/۰۰۵	۰/۰۰۵				تعداد فرزند
۰/۳۴	-۰/۹۴	-۰/۱۰	-۰/۰۲				تعداد سال‌های تأهل

بحث و نتیجه‌گیری

امروزه، تولید گسترده زباله‌های جامد شهری به یکی از چالش‌های مهم جهانی به‌ویژه در جوامع در حال توسعه تبدیل شده است (ژانگ و همکاران، ۲۰۱۵). انبار موقت، دفن، تبدیل

به کود و سوزاندن، راهکارهای مرسوم مدیریت زباله جامد شهری هستند اما با توجه به این‌که، بخش زیادی از زباله های جامد شهری، زباله‌های خشک خانگی مانند فلزات هستند، طی دهه‌های اخیر بر روش‌های کاهش، بازاستفاده و بازیافت، تأکید شده و از شهروندان خواسته می‌شود، زباله‌های‌شان را در مبدا، تفکیک کنند. اگر چه، تولید زباله جامد شهری به‌ویژه زباله‌های خانگی در ایران به سرعت در حال رشد است و به بیش از ۲۰ میلیون تن در سال رسیده است اما تفکیک از مبدا زباله‌های خانگی در ایران توسعه چندانی نیافته است. بر این اساس، پژوهش حاضر با تمرکز بر زباله‌های فلزی، تلاش کرده است تفکیک از مبدا زباله‌های فلزی خانگی را در بین زنان دو مرکز استان، بررسی و رابطه آن را با مسئولیت‌پذیری مورد واکاوی قرار دهد.

بر اساس یافته‌های توصیفی تحقیق، تفکیک زباله‌های فلزی خانگی در بین زنان در سطح متوسطی است به‌گونه‌ای که میانگین تفکیک زباله‌های فلزی بر روی دامنه صفر تا ۶ برابر با ۳/۴ است. این میزان در شهر یاسوج ۳/۲ و در شهر شیراز ۳/۵ بوده است. این یافته پژوهش ضمن تأیید یافته‌های پژوهش حمزه کلکناری (۱۳۹۴)، و هاشم‌پور و همکاران (۱۳۸۶) که نشان داده‌اند، تفکیک زباله از مبدا در ایران در سطح مطلوبی نیست، بیانگر این است که تفکیک زباله از مبدا در ایران، با توجه به کارکردهای مثبت آن باید هرچه بیشتر مورد توجه قرار گیرد.

بر اساس یافته‌های تحلیلی تحقیق، رابطه مثبت و معناداری بین مسئولیت‌پذیری و تفکیک زباله‌های فلزی وجود دارد و طی آن با افزایش مسئولیت‌پذیری، میزان تفکیک از مبدأ زباله‌های فلزی خانگی افزایش می‌یابد. این یافته پژوهش حاضر به‌لحاظ تجربی با نتایج پژوهش احمدی و همکاران (۱۳۹۲) که نشان دادند، مسئولیت‌پذیری رابطه معناداری با صرفه‌جویی در مصرف برق دارد، پژوهش ادهمی و اکبرزاده (۱۳۹۰) که نشان دادند، احساس مسئولیت بر حفظ محیط زیست و رفتارهای زیست محیطی مؤثر است، پژوهش بابائیان و همکاران (۱۳۹۴) که نشان دادند، مسئولیت‌پذیری اجتماعی باعث ارتقای امنیت می‌شود، منطبق است و آنها را تأیید می‌کند. مسئولیت‌پذیری، یک حالت روانی (لیدن، ۱۹۹۶) است که فرد نسبت به‌خود و دیگران یا جامعه، احساس التزام می‌کند (جانسون،

۱۹۹۱). همین امر باعث می‌شود، فرد اقدام به رفتارهایی نماید که در نهایت منفعت هر دو (فرد و جامعه) را در برگیرد. با توجه به اینکه، عدم تفکیک زباله‌های خانگی از طریق افزایش هزینه‌های جمع‌آوری و انتقال زباله از یک سو و به سمت نابودی بردن بخش قابل توجهی از موادی که قابلیت بازیافت و استفاده مجدد دارند، باعث تحمیل فشار به جامعه و خود فرد می‌شوند، طبیعی است که افزایش احساس مسئولیت منجر به افزایش تفکیک از مبدأ زباله‌های خانگی شود.

بر اساس یافته‌های تحلیلی تحقیق، از بین متغیرهای زمینه‌ای و جمعیتی، تنها متغیر وضع شغلی رابطه معناداری با تفکیک از مبدأ زباله‌های فلزی خانگی دارد و طی آن با تغییر وضعیت شغلی از خانه‌دار به شاغل، تفکیک از مبدأ زباله‌های فلزی خانگی بیشتر می‌شود. این یافته تحقیق احتمالاً ناشی از این است که زنان شاغل به دلیل حضور بیشتر در عرصه‌های عمومی اجتماعی، اطلاع بیشتری از پیامدهای زیان بار عدم تفکیک از مبدأ زباله‌های خانگی دارند و به همین دلیل تمایل بیشتری به انجام آن دارند. بر اساس یافته‌های تحقیق، رابطه معناداری بین متغیرهای جمعیتی سن، تحصیلات، قومیت، شهر محل سکونت، تعداد فرزند و تعداد سال‌های تأهل با تفکیک از مبدأ زباله‌های فلزی وجود ندارد. در این میان آن چه، بیش از بقیه جلب نظر می‌کند، عدم تأثیر تحصیلات بر تفکیک از مبدأ زباله‌های فلزی خانگی است. چون در حالت عادی انتظار می‌رود، با افزایش میزان تحصیلات، رفتارهای مثبت اجتماعی هم‌چون تفکیک از مبدأ زباله‌های خانگی افزایش یابد. یافته تحقیق حاضر مبنی بر عدم وجود رابطه معنادار بین تحصیلات و تفکیک از مبدأ زباله خانگی شاید ناشی از این باشد که در نظام آموزش عالی ایران، معمولاً مهارت‌های رفتاری آموزش داده نمی‌شوند و رفتارهایی هم‌چون صرفه‌جویی، قانون‌مندی، وجدان کار، تفکیک از مبدأ زباله‌های خانگی و غیره، به ندرت در برنامه‌های درسی به‌ویژه در دروس عمومی، تعریف شده‌اند.

منابع

- احمدی، سیروس؛ نیکدل، فریبرز و فریدخت صالحی (۱۳۹۲) رابطه تعهد و صرفه‌جویی در مصرف برق در زنان شهر یاسوج، *پژوهش‌های روانشناسی اجتماعی*، دوره ۳، شماره ۱۱، ۸۰-۷۱.
- احمدی مسعود، نسترن؛ ضرغامی، مریم؛ صفائی شکیب، ساناز؛ درگاهی، عبدالله و شهرام صمدی خادم (۱۳۹۲) *بررسی میزان مشارکت مردم شهر همدان در طرح تفکیک از مبدأ پسماند زباله‌های شهری*، سومین کنفرانس بین‌المللی برنامه‌ریزی و مدیریت محیط زیست، دانشگاه تهران.
- ادهمی، عبدالرضا و الهام اکبرزاده (۱۳۹۰). بررسی عوامل فرهنگی مؤثر بر حفظ محیط زیست مناطق ۵ و ۱۸ شهر تهران، *مجله تخصصی جامعه‌شناسی*، سال اول، شماره اول، ۶۲-۳۷.
- آذری، علی؛ فرزادکیا، مهدی؛ رستگار، ایوب و احسان احمدی (۱۳۹۲). مطالعه چشم انداز ۲۰ ساله بازیافت پسماندهای خشک شهر قم و سود اقتصادی آن، *مجله دانشگاه علوم پزشکی سبزوار*، دوره ۲۰، شماره ۴، ۵۳۸-۵۳۰.
- ایمان، محمدتقی و گلمراد مرادی (۱۳۸۸) بررسی رابطه بین رضایت اجتماعی و هویت ملی با تعهد اجتماعی جوانان شهر شیراز، *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال بیست و یکم، شماره ۳۴، ۱۵۵-۱۷۴.
- ایمان، محمدتقی و وجیهه جلائیان بخشنده (۱۳۸۹) بررسی و تبیین رابطه بین مسئولیت اجتماعی و سرمایه اجتماعی در بین جوانان شهر شیراز، *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال بیست و یکم، شماره ۳۷، ۱۹-۴۲.
- بابائیان، علی؛ علیزاده، حسین و امین زارع (۱۳۹۴) شناسایی و رتبه‌بندی ابعاد مسئولیت‌پذیری اجتماعی ناجا در تأمین امنیت در استان قزوین، *پژوهش‌نامه نظم و امنیت انتظامی*، سال هشتم، شماره دوم، صص ۱۴۹-۱۷۰.
- بیرهوف، هانس ورنر (۱۳۸۴) *رفتارهای اجتماعی مطلوب از دیدگاه روان‌شناسی اجتماعی*، ترجمه رضوان صدیقی‌نژاد، تهران، انتشارات گل‌آذین.
- حمزه کلکناری، هانی؛ قربانی، محمدباقر؛ بیانی، عاطفه؛ جمالی‌پور، محسن و سعید حطیظه (۱۳۹۳) بررسی الگوهای رفتاری خانوارها در رابطه با طرح تفکیک زباله در مبدأ در شهر مشهد، *محیط زیست طبیعی*، منابع طبیعی ایران، دوره ۶۸، شماره ۱، ۳۱-۴۴.

- حمیدی، فریده و معصومه قیطاسی (۱۳۸۹) مقایسه کمال‌گرایی، تعلل و مسئولیت‌پذیری در دانشجویان مراکز تربیت معلم شهر اهواز به تفکیک جنس، *فصلنامه فرهنگی- تربیتی زنان و خانواده*، سال ششم، شماره ۱۸، ۱۵۹-۱۷۰.
- دورکیم، امیل (۱۳۸۱) *تقسیم کار اجتماعی*، ترجمه حسن حبیبی، تهران، نشر قلم.
- دورکیم، امیل (۱۳۷۸) *خودکشی*، ترجمه ناصر سالرزاده، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- رهنما، محمدرحیم و خلیل‌الله کاظمی‌خیبری (۱۳۹۱) بازنگری راهبردی حوزه خدمات شهری مدیریت محلی ایران با تأکید بر پسماند شهری مشهد، *مدیریت شهری*، شماره ۳۰، ۳۱۹-۳۰۷.
- سازمان مدیریت پسماند شهرداری شیراز (۱۳۹۴) *آشنایی بیشتر با مفاهیم مدیریت پسماند*، بهداشت و محیط زیست، سازمان مدیریت پسماند.
- سازمان مدیریت پسماند شهرداری یاسوج (۱۳۹۴) *افزایش تولید زباله در یاسوج*، سازمان مدیریت پسماند.
- سرور، رحیم (۱۳۹۱) ارزیابی تأثیر اجتماعی پروژه تفکیک زباله از مبدأ در منطقه ۲۱ شهرداری تهران، *فصلنامه علمی- پژوهشی انجمن جغرافیای ایران*، دوره جدید، سال دهم، شماره ۳۳، ۶۹-۴۹.
- سعادت، شامیر (۱۳۸۳) *بررسی ارتباط بین سبک‌های هویت با سلامت عمومی و مسئولیت‌پذیری در دانشجویان دانشگاه‌های تهران*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم تهران.
- شریف‌زاده، فتاح (۱۳۸۸) *تبیین عوامل مؤثر بر بهبود بهره‌وری مدیریت مواد زائد جامد شهری*، مجله مطالعات مدیریت بهبود و تحول، شماره ۶۰، ۱۱۴-۸۹.
- صالحی، صادق و غلامرضا خوش‌فر (۱۳۹۲) بررسی نگرش بانوان نسبت به بازیافت زباله‌های خانگی در مازندران، *فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، شماره ۱۵، ۲۵۲-۲۰۹.
- ضرابی، اصغر؛ محمدی، جمال و شورش آهنگری (۱۳۹۱) تحلیل مدیریت مواد زائد جامد شهری با تأکید بر بازیافت زباله در شهر بوکان، *جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی*، سال ۲۳، پیاپی ۴۸، شماره ۴، ۱۰۸-۹۱.
- عسکری، پرویز؛ عنایتی، میرصلاح‌الدین؛ عسگری، مانا و خدیجه روشن (۱۳۹۰) رابطه مسئولیت‌پذیری، ریسک‌پذیری و هیجان‌خواهی با تیپ D، *اندیشه و رفتار*، دوره پنجم، شماره ۲۰، ۲۴-۱۷.
- عزیزی، مریم؛ مهدی‌زاده، حسین و محمد شبیری (۱۳۹۱) بررسی رویکرد محیط زیست بانوان خانه‌دار شهر ایلام، *فصلنامه انسان و محیط زیست*، شماره ۲۲، ۸۷-۷۷.

- فروزان، آرتین (۱۳۸۸) جستجوی خوشبختی در طلای کثیف، *روزنامه تهران امروز، ویژه بازیافت*، شماره ۲۳۸، ۲۰-۴.
- کیویستو، پیتر (۱۳۷۷) *اندیشه‌های بنیادی در جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.
- گلسر، ویلیام (۱۳۹۱) *واقعیت درمانی*، ترجمه علی صاحبی، تهران، انتشارات سایه سخن.
- منوری، مسعود؛ عابدی، زهرا و هانیه قره‌بخش (۱۳۸۷) ارزشیابی اقتصادی بازیافت پسماندهای خانگی منطقه ۲۰ شهرداری تهران، *مجله علوم و تکنولوژی محیط زیست*، دوره دهم، شماره ۴، ۸۰-۷۱.
- میلر، جی.تی. (۱۳۸۷) *زیستن در محیط زیست*، ترجمه مجید مخدوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ یازدهم.
- هاشم‌پور، یلدا؛ رضایی، آرش؛ موسوی، محمدرضا و سمانه پڑهان (۱۳۸۶) *بررسی وضعیت تفکیک از مبدأ و بازیافت پسماندهای خشک در کلان‌شهر تهران*، دهمین همایش ملی بهداشت محیط، دانشگاه علوم پزشکی همدان.
- Banga, M. (2013) Household Knowledge, Attitudes and Practices in Solid Waste Segregation and Recycling: The Case of Urban Kampala, *Zambia Social Science Journal*, 2(1): 27:41.
- Ford, M.E. (1985) Social Cognition and Social Competence in Adolescence, *Developmental Psychology*, 18: 323-340.
- Ghani, K.W.A., Rusli, I.F., Biak, D.R.A., Idris, A. (2013) An application of the Theory of Planned Behavior to Study the Influencing Factor of Participation in Source Separation of Food Waste, *Waste Management*. 33: 1276-1281.
- Gough, H.G. (1984) A New Dimension of Status: Development of a Personality Scale, *American Sociological Review*, 13: 401-409.
- Johnson, M.P. (1991) Commitment to Personal Relationships, *Advances in Personal Relationships*, 3:117-143.
- Latane, B. Darley, J.M. (1970) *The Unresponsive Bystander, Why Doesn't He Help?* York, Appleton-century-crofts.
- Levine, R. Norenzayan, A. Philbrick, K. (2001) Cultural Differences in the Helping of Stranger, *Journal of Cross Cultural Psychology*, 32: 543-560.
- Lydon, J. (1996) *Toward a Theory of Commitment*, Hillsdale, New Jersey: Erlbaum.

- Maruyama, G. Fraser, S, C. Miller, N. (1982) Personal Responsibility and Altruism in Children, *Journal of Personality and Social Psychology*, 42: 659-664.
- Metin, E., Erozturk, A.M., Neyim, C. (2003) Solid Waste Management Practices and Review of Recovery and Recycling Operations in Turkey, *Waste Management*, 23: 425-3.
- Mobley, M., Vagias, W., Deward, S. (2010) Exploring Additional Determinants of Environmentally Responsible Behavior: the Influence of Literature and Environmental Attitudes, *Environment and Behavior*, 44: 420-447 .
- Nisbet, E.K., Zelenski, J.M., Murphy, S.A. (2009) The Nature Relatedness Scale Linking individuals' Connection with Nature to Environmental Concern and Behavior, *Environment and Behavior*, 41(5):715-740.
- Ofei-Manu, P. (2009) Gender and Environment in Japanese Workplace, International, *Journal of Innovation and Sustainable Development*, 4(2): 150-164.
- Pooley, J.A., O'Connor, M. (2000) Environmental Education and Attitudes, *Environment and Behavior*, 32(5): 711-723.
- Schnaiberg, A. Gould, K.A. (2005). *Environment and Society: The Enduring Conflict*, New York: The Blackburn Press .
- Schwartz, S.H. Clausen, G.T. (1970) Responsibility, Norms and Helping in an Emergency, *Journal of Personality and Social Psychology*, 16: 299-311.
- Turner, H.J. (2003) *The Structure of Sociological Theory*, California: University of California Riverside, Thomson Wadsworth.
- World Bank. (2012). *What a Waste? A Global Review of Solid Waste Management*, Geneva, World Bank Publishing.
- Zhang, D. Huang, G. Yin, X. Gong, Q. (2015) Resident Waste Separation Behaviors at the Source: Using SEM with the Theory of Behavior in Guangzhou, China, *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 12: 9475- 9491.